نسخه «مهدی نصیری»، سردبیر سابق «کیهان» برای رفع ساختاری مشکلات

مدل چینی «تمرکز قدرت»

■ نظام دموکراتیک «نَسر» است

■ در الگوی سیاسی اسلام چیزی به نام تفکیک قوا مطرح نیست؛ نظام پارلمانی برای جمهوری اسلامی کم عارضه‌تر است

■ اینکه دولت و مجلس در اختیار اصولگرایان است محصول یکدست‌سازی نیست

عکس: هوشنگ حسنی شارق

مهدی نصیری

در سال ۱۳۴۲ در دامغان متولد شد. در سال ۱۳۵۴ در حوزه علمیه دامغان تحصیل را آغاز کرد. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ هم در حوزه قم بود. همزمان در مدرسه علمیه رسالت به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۶۵ همکاری با موسسه مطبوعاتی کیهان را در قم آغاز کرد. یک سال بعد برای ادامه همکاری به تهران رفت و در سال ۱۳۶۷ سردبیر روزنامه کیهان شد. در سال ۱۳۷۰ هم مدیر مسئول روزنامه کیهان و تا سال ۱۳۷۴ در این موسسه باقی ماند. به مدت دو سال در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول بود و از سال ۱۳۷۶ به همکاری با موسسه کیهان یاران دو و اسفند همان سال نشریه صبح را منتشر کرد و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داد. در سال ۱۳۸۰ به عنوان معاون سیاسی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور منصوب شد و تا سال ۱۳۸۴ در این سمت ماند. مدیر مسئول انتشارات کتاب صبح است که به انتشار آثاری در زمینه غرب‌شناسی می‌پردازد. صاحب امتیازی فصلنامه سیاست، تازه‌ترین فعالیت مطبوعاتی نصیری چهار جلد کتاب «اسلام و تجدد»، «فلسفه از منظر قرآن و عترت»، «جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام» و «آوینی و مدرنیته» تالیف و منتشر کرده است.

۱. به نظر به طرح زچ و فرد علاقه دارید.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم؛ به برای کاهش ترافیک مناسب است؟

۱. در مورد خیابان‌ها نمی‌گویم؛ منظورم این است که طرح زچ و فرد را در مورد خودتان اجرا می‌کنید وقتی به سابقه‌تان نگاه می‌کنیم یک زمانی هستید که هستید، یک زمانی نیستید که نیستید؟ آن زمانی که نیستید کجاهستید؟

چرا نبودن من برایتان مهم است.

۰. چون برخی می‌گویند افرادی با تیپ شما وقتی جلوی چشم نیستید احتمالاً در حال انجام کارهای خطرناکی هستند.

نبودن من عمدتاً در مقطع بعد از تعطیلی انتشار نشریه «صبح» تا سال ۸۸ است. من بعد از دوران انتشار «صبح» به این جمع‌بندی رسیدم که اولویتم کار کردن روی برخی مباحثی است که کسی به آنها نپرداخته است. البته این نتیجه‌گیری محصول تجربیات دوران روزنامه‌نگاری بود.

۱. بررسیدم وقتی عیان نیستید کجاهستید؟

دنبال رفع خلأ در رابطه با نشاخت مقوله غرب و مدرنیته؛ در اواخر دوره «کیهان» و تمام دوران «صبح» توجه من به مقوله غرب‌شناسی و مدرنیته جلب شد واحساس کردم بسیاری از مسائل فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی ما با این مقوله پیوند می‌خورد.

۰. منظورتان از این «ما» چیست؟

الافمل من خودم حتی علاقه شدیدی به این موضوع پیدا کردم و کار روزنامه‌نگاری به مفهوم علمی برایم نکراری نشده بود؛ فکر کردم در عرصه کار کردن بر موضوع مدرنیته و غرب‌شناسی می‌توانم مفیدتر و موثرتر باشم. به همین دلیل در آن دوران از روزنامه‌نگاری فاصله گرفتم که محصولش کتاب «اسلام و تجدد» شد.

۱. اما این کتاب سال‌ها پیش منتشر شده؛ از سه سال پیش تا الان کجا بودید؟

حدود ۱۰ سال است که کتاب «اسلام و تجدد» منتشر شده است و بعد از انتشار این کتاب عموماً تلاش کردم که فلسفه‌تاریخ خود را وجش همین موضوع باشد. البته یک مقطع سه‌سالهای هم ایران نبودم.

۰. کجا بودید؟

برای ماموریت به امارات رفتم.

۱. برای تغییر آب و هوا یا...

سویل بخش فرهنگی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری بودم دوم آبان ۸۹ هم برگشتم؛ مجموعه قیصه همین بود.

۱. شاید هم راه‌اندازی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری بودم دوم آبان ۸۹ است و باید دور، دور افرادی جون شما باشد یک دفعه گم شدید.

توجیح دادم از کار روزنامه‌نگاری عبور کنم.

۱. دیگر دنبال افشاگری و پرونده‌سازی‌هایی که در «کیهان» و «صبح» انجام می‌دادید نیستید؛ مشکل «تهاجم فرهنگی» و «سنگرسنیزی» حل شد؟

حوزه کاری‌ام عوض شده است. ضمن اینکه نیروهای تازه نفسی در میدان هستند.

۰. حوزه کاربنان تغییر کرده یا اجبیات ویژه‌تان و تاکید بر استکبارستیزی کار کرد ویژه‌تان را داشت داده و با افبال مواجه نیستید. این سوال‌ها را از این جهت می‌پرسیم که در سال ۸۸ در گفت‌وگویی اعلام کردید که «تیراژ ما طرح شد». شما در فضا استقبال خوبی نشدید. من بادم هست شما در راها کمه تاتیرو‌های جدید جایگزین شوند. شما بعد از تحویل سردبیری «کیهان» ، نشریه «صبح» را منتشر کردید که به نوعی اماه «کیهان» بود.

البته دست‌تان بازتر بود. نشریه‌ای که ادبیات ویژه داشت. صبح؛ «هم که تعطیل شد. یک مدتی هم این استعفا داشتم و بعد با وجود نابلوی خوشتان من، آقای خامنی استعفا را پذیرفت. اینکه چرا آقای خامنی پذیرفت، ممکن است دلیلی خاصی داشته باشند.

۰. چه دلیلی خامنی؟

ببین آقای خامنی و آقای اصغری اختلاف خیلی شدیدی بروز پیدا کرد. آقای خامنی چند ماه پس از آوردن آقای اصغری پشیمان شده بود یعنی عموم نبود؛ ما به یک معنا نشریه عمومی نبودیم که تیراژ قوی‌العاده بالایی مثل بعضی از روزنامه‌ها داشته باشیم. اتفاقاتوراتی که انتشار «صبح» را متوقف کردیم، توقف ما با شگفتی بسیاری مواجه شد. البته همچنان آن گمتمان و آن حرف‌ها در مورد تهاجم فرهنگی و استکبارستیزی جنایت خودش را دارد؛ ولی من به همان دلیل‌هایی که عرض کردم نمی‌خواستم ادامه دهم.

۰. و خواصی که هدف شما بودند دقیقاً یعنی چه کسانی؟

مخاطبان «صبح» طیفی از جوانان جزءتالهی معتقد اهل مطالعه بودند.

۱. آن خواص تاثیرگذار الان کجای جغرافیای سیاسی ایران هستند؟

در جاهای مختلف هستند؛ ممکن است در دولت باشند یا خارج از دولت بعضی‌هاشون هستند؛ بعضی‌هاشون هستند.

۱. این گونه که همه خاص هستند؛ چون برخی دانشجو هستند، برخی کارگر، برخی بازاری و برخی اساتید دانشگاه و... شما طیفی را به عنوان خواص انتخاب کردید که روی آنان تاثیر بگذارید. چون معتقد بودید تاثیرگذار هستند؛ مفهوم حوزه تاثیرگذاری‌شان است و اگر از طیف خاص تاثیرگذار بوده شما جرا یک دفعه تصمیم می‌گیرید رهایشان کنید؟

همین که می‌گویم دلیل کافی برای این مساله نیست؟

۱. نه! جرا آن دو دلیل کافی برای این مساله نیست؟

مورد نظر تان الان با حذف رقیب احتمالاً طیف در دولت و مجلس هستند.

چه مشکلی دارد که جای دیگری بروند؟

۰. جای دیگر! ایران چه خواصی هستند که یک روز! نباید هستند و یک روز! آنجا شما جزو اولین آدم‌هایی بودید که حرف از یابندی به اصول می‌زدید. بعد‌ها این اصولگرایی رمز جناحی شد که دست‌کم در رسانه‌های آن موقع به آنها می‌گفتند محافظه‌کار که امروز اصولگرایانمیده شده‌اند؛ از سال ۸۴ که قدرت در اختیار اصولگرایان قرار گرفت؛ شما یک مرتبه غیب می‌شوید! این عجیب است خواص مورد نظر شما قدرت می‌گیرند و وقت، وقت بروز دادن آموزه‌هایی است که امثال شماه الان داده‌اید. اما شما رهایشان می‌کنید.

الزامی ندارد اهم دیسه در یک میدان باشد؛ البته من به معنای مطبوعاتی نبودم؛ ولی اولویت نیروهای انقلابی در این را هم بگویم که صرفاً حضور فیزیکی نداشتیم؛ یعنی انتشار کتاب «اسلام و تجدد» تاثیرات خوش را گماشت و می‌گذارد. میدان کاری را عوض کردم ولی نیروهای فکرویام رفت به سطح مبانی و کلان‌نگری‌های فکری؛ خاطر قضیه این است که از مسایل روز و آنچه که در عرصه سیاست به طور آشکار می‌گذرد، فاصله گرفتم اما کارهایی که گرسم حتما بی‌ارتباط با آنچه که در روز می‌گذرد نیست؛ از نظر حوزه اتفاق غیرعادی نیفتاده است.

۱. شاید هم راه‌اندازی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری بودم دوم آبان فرادن دون دولت و مجلس، در عالم واقع آنچه فکر می‌کردید اتفاق نیفتاد. شما در دوران اصلاحات از تعارض با مبانی دینی است که می‌گفتند. از مقابله با استکبار و فساد سالم و خانواده‌سالاری. مدام هم دولت را هدف قرار می‌دادید. اما بعد از آنکه اصولگرایان به قدرت می‌رسند دیگر آن گفتمان را البته نمی‌دهید.

اینها را که می‌گویید از دولت آقای هاشمی شروع شد و در دولت آقای خاتمی هم البته بافت‌اش رو در عرصه اولویت فکری و کارویام عوض شد و این عرصه را رها کردم.

۱. اما تغییر اولویت نمی‌تواند این شایبه را ایجاد می‌کند که آن حرف‌هایی که در دوران مطالعات اصلاحات می‌زدید ابزاری بوده برای کنترل اصلاح‌طلبی؛ یعنی دیگر نوان ابداه آن گفته‌های جدید جایگزین شوند. شما بعد از تحویل سردبیری «کیهان» ، نشریه صبح؛ را منتشر کردید که به نوعی اماه «کیهان» بود.

البته دست‌تان بازتر بود. نشریه‌ای که ادبیات ویژه داشت. صبح؛ «هم که تعطیل شد. یک مدتی هم این استعفا داشتم و بعد با وجود نابلوی خوشتان من، آقای خامنی استعفا را پذیرفت. اینکه چرا آقای خامنی پذیرفت، ممکن است دلیلی خاصی داشته باشند.

۰. چه دلیلی خامنی؟

ببین آقای خامنی و آقای اصغری اختلاف خیلی شدیدی بروز پیدا کرد. آقای خامنی چند ماه پس از آوردن آقای اصغری پشیمان شده بود یعنی شما را هم در سوال ببرد؛ فساد کمتر داد مبارزه با مفسد بیشتر؛ فساد بیشتر می‌شود. در مقابل سوءظن می‌کنید و می‌روید به سمت کار فرهنگی در درج کشور. تنها موضوعی که تغییر کرده این است که قدرت به صورت کامل به دوستان اصولگرایان رسیده است. چرا این را نمی‌پذیرید.

بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی در دوران انتشار «صبح» بسیار حاد شد و وارزنجانه بست تلگراف و تلفن و نیرو مورد جدی‌ترین نقدها و افشاگری‌ها قرار گرفتند. من در تحلیلم به اینجا رسیدم که مشکل‌ها و فساد اقتصادی و بحث تهاجم فرهنگی عمدتاً از این ناشی می‌شود که ما به مبانی کلان فکری و نظری توجه نداریم به خواص توجه داشتند.نه عوام به مسوولان.

۱. البته من باسخ سوالم را نگرفتم؛ گویا شما مایل نیستید سوال من را پاسخ بدهید یس بگویید آن مسایل کلان چه بود؟

مارک در بحث تهاجم فرهنگی این سوال خیلی در ذهن ما مطرح بود که جرا بعضی از جریاناتی که سال‌های اول انقلاب به لحاظ فرهنگی رادیکال اصولگرا و وابسته به یک طیف و طبقه کاملا مدنین بودند دجار ریزش می‌شوند؛ مثلا یک فردی مثل آقای خاتمی آقای خاتمی کسی است که خاستگاهی حوزه است و از یک خانواده با سیادت و محترم و متدین خود ایشان هم همین‌طور ولی حقیقتاً بعضی مطالب و دیدگاه‌هایی که مطرح می‌کرد هیچ سنخی با مسایل اصیل دینی نداشت.

۰. مثلا کدام مطالب ایشان؟

همین بحث طلزشان‌های مختلف از «ج». با آن طول و عرض و عمقی که جدی‌ترین مسایلی که باعث این ریزش‌ها است عدم تحلیل درست، عمیق و جامع ما از پدیده غرب، مدرنیته و تجدد است. اینکه اساساً منظومه فکری انقلاب که از قبل از انقلاب شروع شد و تا الان هم استمرار پیدا کرده یک تحلیل جامع، عمیق و درست از مدرنیته و غرب ندارد این عدم تحلیل آن زمینه‌ها را فراهم می‌کند که هر سال یک مرتبه جلب توجه کند. البته طبقه‌های ما مسایلا به این مساله هستند منتها شدت و ضعف دارد. طبقی به دلیل گرایش‌های تاریخی و سنتی‌اش دیرتر دچار لغزش می‌شود یا لغزشش را بروز نمی‌دهد و جریان دیگری به دلیل نسبه کمتر سنتی‌اش زودتر گرایش‌هایش را بروز می‌دهد. من احساس کردم در اینجا رفع مختلف؛ در عرصه سیمیا کتاب، مطبوعات و... هر چه در سطح دیگه اینها آنها آدم‌های خوبی هستند و نمی‌خواهید بگویید مخالف اصلاح‌طلبی و می‌گویید خرهایشان در تعارض با مبانی دینی است؛ که البته این براساس تبصره شما است. اما آنان هم می‌توانند همین را در مورد شما بگویند؛ مالا بگویند متحجرید. چنانکه برخی می‌گویند.

مشکل دقیقا همین‌جا است آن نظری که می‌گوید ما به تعداد آدم‌ها از دین تفسیر داریم در تقابل نقد و تمام با دین است و اتفاقا بحث‌ها از همین‌جا شروع می‌شود.

۰. چرا می‌گویید در تقابل با دین است؟

چون خرهای دارند دانشه اینکه شما دارید؟ اگر خریدار نه تعداد آدم‌ها دین و عقیده خودتون باشت و اساسا حق و باطل مفهوم خود را باید به سر و انیا جیلا کنیم یا نه؟ هر سر و انیا هیچ‌ایده حرفش خریدار داشت؟ حضرت نوح ۹۰۰ سال حرف زد جقدر حرفش خریدار داشت؟

۱. اشکالی ندارد که حرفی زده شود. آن هم در حالی که خریدار ندارد. اشکال اینجا بیش آید که آن حرف که برای مردم خریدار نداره تلاش شده به گفتمان اجبای جامعه تبدیل شود.

همان گونه که گفتم خریدار داشته است. اگر خریدار نداشت جریان کارگزاران و اصلاحات در قالبت و انوای سیاسی قرار نمی‌گرفتند. این انتخاب تاثیر پذیرفته از تفکرهای ارایه شده از جانب امثال ما بود که گفتمان را عوض کرد و به جبر و اجبار.

۱. شما گفتمانی را برای مقابله با فساد اقتصادی و آنچه تهاجم فرهنگی می‌نامید بروانی دادید. بعد در راستای دو هدف مشخص؛ یکی مبارزه با فساد اقتصادی و فساد اقتصادی به عدی رفتید. در عمق جاگر کردید که فساد اقتصادی به مراتب شدیدتری نسبت به پیش از اینکه از سطح به عمق برود رخ داده است. در نقد غربزدگی هم که جامعه از آن رهایی شما دوز تر شده؛ با شما در عمق. کارتان را خوب انجام ندادید که نتیجه این است با بیاد در سطح به سطح رفته‌اید؟ یکی «صبح» و «صبح» افشاگری می‌کردید.

۰. چه زمانی قرار است این حرف مورد نظر شما اتفاق بیفتد. مردم انتظار دارند فساد اقتصادی به شدت کاهش پیدا کند. شما در دوران صبح غربی گرایان شود. تکلیف مردم چیست. باید تا زمان درک موضوع باید این شرایط بسازند.

یکی از بحث‌هایی که ما همیشه در ارتباط با رسانه‌های مدرن داشتیم این بود که در رسانه‌ها عملاً مبارزه در سطح پرداختن به شخص در رسانه‌ها همچنین باید با شتاب و سرعت بگذرد. بسیاری از حرف‌های من تابع بحث تعارض مطلق و کلی بین مدرنیته و اسلام است. فکر کنم ماحصل گفتوگوی شما با سه دقایقه‌هایی همراه می‌شود که بعدا من باید یک به یک این سوءتفاهم‌ها پاسخ بدهم.

۱. پیشنهاد می‌کنیم گفت‌وگوهایتان را ادامه ندهیم.

نه! ادامه بدهیم ببینیم به کجا می‌رسیم.

۰. ما امروز واقعیات می‌دانیم در جامعه‌مان داریم. جامعه‌ای که نسبت به قبل از اینکه شما برای فعالیت‌های فکری به عدی بروید هم تهاجم فرهنگی مورد اشاره‌تان بیشتر روی آن تاثیر گذاشته و هم به بعد فساد اقتصادی وضعیت متفاوتی دارد. نسبت به زمانی که شما برای هاشمی ویژه‌نامه فساد اقتصادی منتشر می‌کردید.

البته این تفاوت می‌تواند محصول خیلی از امور باشد. نه اینکه همان معطوف به نسبت به قبل از اینکه شما برای فعالیت‌های فکری به عدی بروید هم تهاجم فرهنگی مورد اشاره‌تان بیشتر روی آن تاثیر گذاشته و هم به بعد فساد اقتصادی وضعیت متفاوتی دارد. نسبت به زمانی که شما برای هاشمی ویژه‌نامه فساد اقتصادی منتشر می‌کردید.

۱. شما نمونه کم نمی‌گویید پس مجبور کارتان چیست؟

محور این است که فساد آنچه در تشخیص می‌دهد مطرح کند تبعا توجیح من هم هست که اگر کسی حرف حقی را می‌زند خریدار داشت باشد. اما قرضا اگر خریدار هم نداشته باشد چیز زیادی عوض نمی‌شود. ما باید به سر و انیا جیلا کنیم یا نه؟ هر سر و انیا هیچ‌ایده حرفش خریدار داشت؟ حضرت نوح ۹۰۰ سال حرف زد جقدر حرفش خریدار داشت؟

۱. حالا که گفتند، سنگ هم روی سنگ بند شده! این نظر شماست و بس. حضور شما در «کیهان» ، نمونه خوبی برای ما دعاجیان است. زمانی که وارد «کیهان» شدید کسی شما را جلبی نمی‌شناخت چون هم جوان بودید و هم کار مطبوعاتی به آن شکل انجام نداده بودید اما یا گرفتید و سردبیر «کیهان» شدید. آن هم نه کم‌کم که یک دفعه. چه کسی از زمان مدیر «کیهان» بود؟

آقای خامنی نماینده حضرت امام در موسسه کیهان و آقای سیدمحمد اصغری سردبیر موسسه بودند.

۰. و البته با تفکری که شما می‌گویید خلط مبانی دینی بود.

البته خامنی از نور هنوز خامنی دوران ریاست‌جمهوری نبود. خاطره‌ای برایتان بگویم. من هیچ وقت خبر نظافرات عبه‌ه‌حبلی را در روزنامه کیهان یا در صبح برایتان نمی‌گویم. دلیلش دو مشخص بود. تجدی نمی‌گرفتم. یکبار نظافرات نسبتا بسیار وسیعی در تهران علیه به‌حجابی صورت گرفت و همه رسانه‌ها و احزاب و برخی دوستان گسترده‌ای دادند اما ما در کیهان خلل معمول آن را به صورت گسترده پوشش خبری ندادیم. روز بعد بلادانتی بسیار شدید از آقای خامنی دریافت کردم که این لیبرال بازی‌ها چیست که شما دارید و چرا این نظافرات به این مهمی را پوشش نمی‌دادید. برایتان آقای خامنی بعدا از چهاتی منحول شد. اگرچه شاید زمینه‌های این تحول را قبل داشت.

۱. چه کسی در کیهان نقش داشت؟

شورای سردبیری بود از جمله آقای شمس‌الواعظین و آقای هادی خیلی.

۰. کسانی که رسانه‌های اصولگرا؛ اشتراوس استراتژیک خامنی می‌نامیدند. همان تعبیری به «کیهان» چه افرادی بودند؟ افرادی که امروز در گروهی قرار دارند که به قول شما در تعارض با مبانی دینی هستند. اما آنان چون به قول شما به قرائت‌های مختلف معتقد بودند اجازه دادند مهدی نصیری با آن نگرش رشد کند. بشود دبیر بخش مقالات و ببینید جای بهروز گرایلیه. بعد هم که سردبیر شدند؛ می‌خواهم بگویم شما خودتان از پهرمندان قرائت‌های مختلف از همه‌جیز هستید ولی امروز قرائت‌های مختلف را قابل قبول نمی‌دانید.

ایبن ربطی به قرائت‌های گوناگون از دین نداشت. من عمدتا با نظر آقای سیدمحمد اصغری که آن روز با شورای سردبیری روزنامه دچار تعارض جدی شده بود، وارد روزنامه «کیهان» شدم و الان، آن افاول با هیچ قرائتی تعابلی به ورود من به «کیهان» نداشتند.

۱. شما به ویژگی‌ها داشتید که وقتی به شورای سردبیری «کیهان» ورود پیدا کردید؛ ۲۰-۲۰ روز بعد همه استعفا دادند؟

من فکر می‌کنم این سوال را از آن دوستان باید بپرسید. اینها لابد یا قرائت من از دین و انقلاب مشکل داشتند. البته جدای از این کتابها به نظر من دلیلش خیلی واضح بود. آنها می‌آمدند که برین خودشان می‌دانستند شما فرض کنید اگر شورای سردبیری می‌خواهد روزنامه «شرق» را اداره کند و یک شخصی که نقطه مقابل اصلاحات باشد و ناهمفکر است وارد شود.

۰. ولی در نهایت همه همفکران از «کیهان» رفتند و یک ناهمفکر ماند.

البته من هم ماجرا دارد ولی گروهی استعفا دادند بسیار بعید می‌دانستند که استعفایشان پذیرفته شود.

۱. از طرف؟

از طرف آقای خامنی؛ شاید تحلیل‌شان این بود که آقای خامنی راه سهل‌تر و بهتر را این بدانند که من از شورای سردبیری بیرون بروم شاید با این تحلیل همه‌مان استعفا دادند ولی همه این استعفا داده شد با وجود نابلوی خوشتان من، آقای خامنی استعفا را پذیرفت. اینکه چرا آقای خامنی پذیرفت، ممکن است دلیلی خاصی داشته باشند.

۰. چه دلیلی خامنی؟

ببین آقای خامنی و آقای اصغری اختلاف خیلی شدیدی بروز پیدا کرد. آقای خامنی چند ماه پس از آوردن آقای اصغری پشیمان شده بود یعنی شما را هم در سوال ببرد؛ فساد کمتر داد مبارزه با مفسد بیشتر؛ فساد بیشتر می‌شود. در مقابل سوءظن می‌کنید و می‌روید به سمت کار فرهنگی در درج کشور. تنها موضوعی که تغییر کرده این است که قدرت به صورت کامل به دوستان اصولگرایان رسیده است. چرا این را نمی‌پذیرید.

بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی در دوران انتشار «صبح» بسیار حاد شد و وارزنجانه بست تلگراف و تلفن و نیرو مورد جدی‌ترین نقدها و افشاگری‌ها قرار گرفتند. من در تحلیلم به اینجا رسیدم که مشکل‌ها و فساد اقتصادی و بحث تهاجم فرهنگی عمدتاً از این ناشی می‌شود که ما به مبانی کلان فکری و نظری توجه نداریم به خواص توجه داشتند.نه عوام به مسوولان.

۱. البته من باسخ سوالم را نگرفتم؛ گویا شما مایل نیستید سوال من را پاسخ بدهید یس بگویید آن مسایل کلان چه بود؟

مارک در بحث تهاجم فرهنگی این سوال خیلی در ذهن ما مطرح بود که جرا بعضی از جریاناتی که سال‌های اول انقلاب به لحاظ فرهنگی رادیکال اصولگرا و وابسته به یک طیف و طبقه کاملا مدنین بودند دجار ریزش می‌شوند؛ مثلا یک فردی مثل آقای خاتمی آقای خاتمی کسی است که خاستگاهی حوزه است و از یک خانواده با سیادت و محترم و متدین خود ایشان هم همین‌طور ولی حقیقتاً بعضی مطالب و دیدگاه‌هایی که مطرح می‌کرد هیچ سنخی با مسایل اصیل دینی نداشت.

۰. مثلا کدام مطالب ایشان؟

همین بحث طلزشان‌های مختلف از «ج». با آن طول و عرض و عمقی که جدی‌ترین مسایلی که باعث این ریزش‌ها است عدم تحلیل درست، عمیق و جامع ما از پدیده غرب، مدرنیته و تجدد است. اینکه اساساً منظومه فکری انقلاب که از قبل از انقلاب شروع شد و تا الان هم استمرار پیدا کرده یک تحلیل جامع، عمیق و درست از مدرنیته و غرب ندارد این عدم تحلیل آن زمینه‌ها را فراهم می‌کند که هر سال یک مرتبه جلب توجه کند. البته طبقه‌های ما مسایلا به این مساله هستند منتها شدت و ضعف دارد. طبقی به دلیل گرایش‌های تاریخی و سنتی‌اش دیرتر دچار لغزش می‌شود یا لغزشش را بروز نمی‌دهد و جریان دیگری به دلیل نسبه کمتر سنتی‌اش زودتر گرایش‌هایش را بروز می‌دهد. من احساس کردم در اینجا رفع مختلف؛ در عرصه سیمیا کتاب، مطبوعات و... هر چه در سطح دیگه اینها آنها آدم‌های خوبی هستند و نمی‌خواهید بگویید مخالف اصلاح‌طلبی و می‌گویید خرهایشان در تعارض با مبانی دینی است؛ که البته این براساس تبصره شما است. اما آنان هم می‌توانند همین را در مورد شما بگویند؛ مالا بگویند متحجرید. چنانکه برخی می‌گویند.

مشکل دقیقا همین‌جا است آن نظری که می‌گوید ما به تعداد آدم‌ها از دین تفسیر داریم در تقابل نقد و تمام با دین است و اتفاقا بحث‌ها از همین‌جا شروع می‌شود.

۰. چرا می‌گویید در تقابل با دین است؟

چون حرف خریدار داشته باشد اما قرضا اگر خریدار هم نداشته باشد چیز زیادی عوض نمی‌شود. ما باید به سر و انیا جیلا کنیم یا نه؟ هر سر و انیا هیچ‌ایده حرفش خریدار داشت؟ حضرت نوح ۹۰۰ سال حرف زد جقدر حرفش خریدار داشت؟

۱. شکی ندارد که حرفی زده شود. آن هم در حالی که خریدار ندارد. اشکال اینجا بیش می‌آید که آن حرف که برای مردم خریدار نداره تلاش شده به گفتمان اجبای جامعه تبدیل شود.

همان گونه که گفتم خریدار داشته است. اگر خریدار نداشت جریان کارگزاران و اصلاحات در قالبت و انوای سیاسی قرار نمی‌گرفتند. این انتخاب تاثیر پذیرفته از تفکرهای ارایه شده از جانب امثال ما بود که گفتمان را عوض کرد و به جبر و اجبار.

۱. شما گفتمانی را برای مقابله با فساد اقتصادی و آنچه تهاجم فرهنگی می‌نامیدید بروانی دادید. بعد در راستای دو هدف مشخص؛ یکی مبارزه با فساد اقتصادی و فساد اقتصادی به عدی رفتید. در عمق جاگر کردید که فساد اقتصادی به مراتب شدیدتری نسبت به پیش از اینکه از سطح به عدی برود رخ داده است. در نقد غربزدگی هم که جامعه از آن رهایی شما دوز تر شده؛ با شما در عمق. کارتان را خوب انجام ندادید که نتیجه این است با بیاد در سطح به سطح رفته‌اید؟ یکی «صبح» و «صبح» افشاگری می‌کردید.

۰. چه زمانی قرار است این حرف مورد نظر شما اتفاق بیفتد. مردم انتظار دارند فساد اقتصادی به شدت کاهش پیدا کند. شما در دوران صبح غربی گرایان شود. تکلیف مردم چیست. باید تا زمان درک موضوع باید این شرایط بسازند.

یکی از بحث‌هایی که ما همیشه در ارتباط با رسانه‌های مدرن داشتیم این بود که در رسانه‌ها عملاً مبارزه در سطح پرداختن به شخص در رسانه‌ها همچنین باید با شتاب و سرعت بگذرد. بسیاری از حرف‌های من تابع بحث تعارض مطلق و کلی بین مدرنیته و اسلام است. فکر کنم ماحصل گفتوگوی شما با سه دقایقه‌هایی همراه می‌شود که بعدا من باید یک به یک این سوءتفاهم‌ها پاسخ بدهم.

۱. پیشنهاد می‌کنیم گفت‌وگوهایتان را ادامه ندهیم.

نه! ادامه بدهیم ببینیم به کجا می‌رسیم.

۰. ما امروز واقعیات می‌دانیم در جامعه‌مان داریم. جامعه‌ای که نسبت به قبل از اینکه شما برای فعالیت‌های فکری به عدی بروید هم تهاجم فرهنگی مورد اشاره‌تان بیشتر روی آن تاثیر گذاشته و هم به بعد فساد اقتصادی وضعیت متفاوتی دارد. نسبت به زمانی که شما برای هاشمی ویژه‌نامه فساد اقتصادی منتشر می‌کردید.

البته این تفاوت می‌تواند محصول خیلی از امور باشد. نه اینکه همان معطوف به نسبت به قبل از اینکه شما برای فعالیت‌های فکری به عدی برود هم تهاجم فرهنگی مورد اشاره‌تان بیشتر روی آن تاثیر گذاشته و هم به بعد فساد اقتصادی وضعیت متفاوتی دارد. نسبت به زمانی که شما برای هاشمی ویژه‌نامه فساد اقتصادی منتشر می‌کردید.

۱. شما نمونه کم نمی‌گویید پس مجبور کارتان چیست؟

محور این است که فساد آنچه در تشخیص می‌دهد مطرح کند تبعا توجیح من هم هست که اگر کسی حرف حقی را می‌زند خریدار داشت باشد اما قرضا اگر خریدار هم نداشته باشد چیز زیادی عوض نمی‌شود. ما باید به سر و انیا جیلا کنیم یا نه؟ هر سر و انیا هیچ‌ایده حرفش خریدار داشت؟ حضرت نوح ۹۰۰ سال حرف زد جقدر حرفش خریدار داشت؟

۱. حالا که گفتند، سنگ هم روی سنگ بند شده! این نظر شماست و بس. حضور شما در «کیهان» ، نمونه خوبی برای ما دعاجیان است. زمانی که وارد «کیهان» شدید کسی شما را جلبی نمی‌شناخت چون هم جوان بودید و هم کار مطبوعاتی به آن شکل انجام نداده بودید اما یا گرفتید و سردبیر «کیهان» شدید. آن هم نه کم‌کم که یک دفعه. چه کسی از زمان مدیر «کیهان» بود؟

آقای خامنی نماینده حضرت امام در موسسه کیهان و آقای سیدمحمد اصغری سردبیر موسسه بودند.

۰. و البته با تفکری که شما می‌گویید خلط مبانی دینی بود.

البته خامنی از نور هنوز خامنی دوران ریاست‌جمهوری نبود. خاطره‌ای برایتان بگویم. من هیچ وقت خبر نظافرات عبه‌ه‌حبلی را در روزنامه کیهان یا در صبح برایتان نمی‌گویم. دلیلش دو مشخص بود. تجدی نمی‌گرفتم. یکبار نظافرات نسبتا بسیار وسیعی در تهران علیه به‌حجابی صورت گرفت و همه رسانه‌ها و احزاب و برخی دوستان گسترده‌ای دادند اما ما در کیهان خلل معمول آن را به صورت گسترده پوشش خبری ندادیم. روز بعد بلادانتی بسیار شدید از آقای خامنی دریافت کردم که این لیبرال بازی‌ها چیست که شما دارید و چرا این نظافرات به این مهمی را پوشش نمی‌دادید. برایتان آقای خامنی بعدا از چهاتی منحول شد. اگرچه شاید زمینه‌های این تحول را قبل داشت.

۱. چه کسی در کیهان نقش داشت؟

شورای سردبیری بود از جمله آقای شمس‌الواعظین و آقای هادی خیلی.

۰. کسانی که رسانه‌های اصولگرا؛ اشتراوس استراتژیک خامنی می‌نامیدند. همان تعبیری به «کیهان» چه افرادی بودند؟ افرادی که امروز در گروهی قرار دارند که به قول شما در تعارض با مبانی دینی هستند. اما آنان چون به قول شما به قرائت‌های مختلف معتقد بودند اجازه دادند مهدی نصیری با آن نگرش رشد کند. بشود دبیر بخش مقالات و ببینید جای بهروز گرایلیه. بعد هم که سردبیر شدند؛ می‌خواهم بگویم شما خودتان از پهرمندان قرائت‌های مختلف از همه‌جیز هستید ولی امروز قرائت‌های مختلف را قابل قبول نمی‌دانید.

ایبن ربطی به قرائت‌های گوناگون از دین نداشت. من عمدتا با نظر آقای سیدمحمد اصغری که آن روز با شورای سردبیری روزنامه دچار تعارض جدی شده بود، وارد روزنامه «کیهان» شدم و الان، آن افاول با هیچ قرائتی تعابلی به ورود من به «کیهان» نداشتند.

۱. شما به ویژگی‌ها داشتید که وقتی به شورای سردبیری «کیهان» ورود پیدا کردید؛ ۲۰-۲۰ روز بعد همه استعفا دادند؟

من فکر می‌کنم این سوال را از آن دوستان باید بپرسید. اینها لابد یا قرائت من از دین و انقلاب مشکل داشتند. البته جدای از این کتابها به نظر من دلیلش خیلی واضح بود. آنها می‌آمدند که برین خودشان می‌دانستند شما فرض کنید اگر شورای سردبیری می‌خواهد روزنامه «شرق» را اداره کند و یک شخصی که نقطه مقابل اصلاحات باشد وارد شود.

۰. ولی در نهایت همه همفکران از «کیهان» رفتند و یک ناهمفکر ماند.

البته من هم ماجرا دارد ولی گروهی استعفا دادند بسیار بعید می‌دانستند که استعفایشان پذیرفته شود.

۱. از طرف؟

از طرف آقای خامنی؛ شاید تحلیل‌شان این بود که آقای خامنی راه سهل‌تر و بهتر را این بدانند که من از شورای سردبیری بیرون بروم شاید با این تحلیل همه‌مان استعفا دادند ولی همه این استعفا داده شد با وجود نابلوی خوشتان من، آقای خامنی استعفا را پذیرفت. اینکه چرا آقای خامنی پذیرفت، ممکن است دلیلی خاصی داشته باشند.

۰. چه دلیلی خامنی؟

ببین آقای خامنی و آقای اصغری اختلاف خیلی شدیدی بروز پیدا کرد. آقای خامنی چند ماه پس از آوردن آقای اصغری پشیمان شده بود یعنی شما را هم در سوال ببرد؛ فساد کمتر داد مبارزه با مفسد بیشتر؛ فساد بیشتر می‌شود. در مقابل سوءظن می‌کنید و می‌روید به سمت کار فرهنگی در درج کشور. تنها موضوعی که تغییر کرده این است که قدرت به صورت کامل به دوستان اصولگرایان رسیده است. چرا این را نمی‌پذیرید.

بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی در دوران انتشار «صبح» بسیار حاد شد و وارزنجانه بست تلگراف و تلفن و نیرو مورد جدی‌ترین نقدها و افشاگری‌ها قرار گرفتند. من در تحلیلم به اینجا رسیدم که مشکل‌ها و فساد اقتصادی و بحث تهاجم فرهنگی عمدتاً از این ناشی می‌شود که ما به مبانی کلان فکری و نظری توجه نداریم به خواص توجه داشتند.نه عوام به مسوولان.

۱. البته من باسخ سوالم را نگرفتم؛ گویا شما مایل نیستید سوال من را پاسخ بدهید یس بگویید آن مسایل کلان چه بود؟

مارک در بحث تهاجم فرهنگی این سوال خیلی در ذهن ما مطرح بود که جرا بعضی